

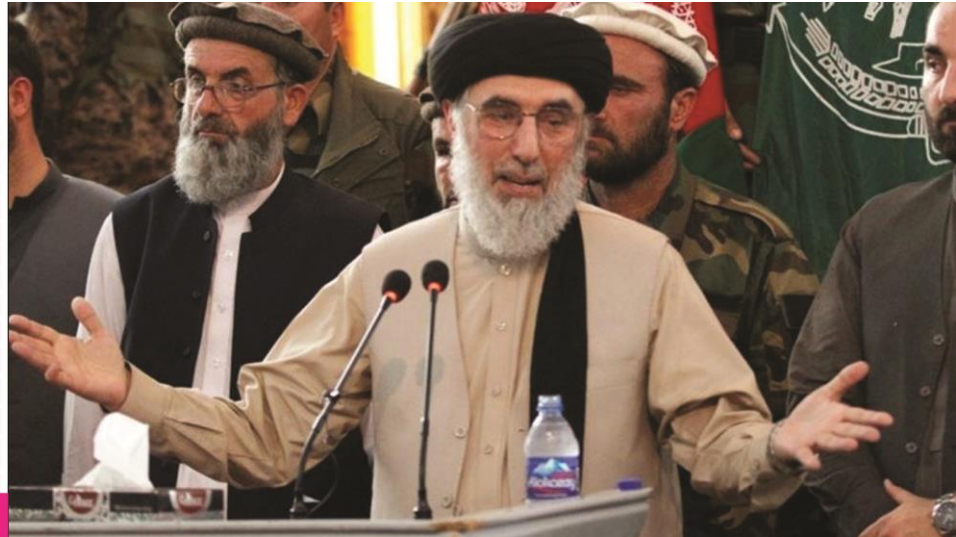


مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۸۰

خرداد ۱۳۹۶



زهرا توحیدی
مرکز تحقیقات استراتژیک

حکمتیاری در عرصه سیاسی افغانستان؛ پیامدهای احتمالی

مقدمه

حکمتیاری، پس از ۲۰ سال زندگی در کشورهای مختلف و زندگی‌ای مخفیانه در داخل افغانستان، و نیز ۱۵ سال مبارزه مسلحانه بر علیه حکومت افغانستان، نهایتاً در پی توافقنامه صلحی ۲۵ ماده‌ای در مهر ماه سال گذشته، در تاریخ ۱۴ اردیبهشت به عرصه سیاسی این کشور بازگشت؛ ورودی طوفانی و در قامت یک منتقد و شاید یک مصلح؛ او در سخنرانی‌های آتشین خود، ستون‌های دموکراسی نوپای افغانستان را هدف انتقاد شدید قرار داده؛ ساختار سیاسی فعلی افغانستان را فاقد کارایی دانسته و خواهان جایگزینی آن با یک حکومت مرکزی قدرتمند شده است.

هر چند که عده‌ای حصول توافق صلح با حکمتیاری را نوعی پیروزی برای حکومت افغانستان به شمار می‌آوردند، اما شاید در حال حاضر، قضاوت در این زمینه زود باشد؛ چه اینکه این دولت در لبه تیغ قرار دارد؛ مستعد اضمحلال و فروپاشی می‌باشد و

می‌تواند کل حکومت را با خود به پرتگاه بکشانند. سوالی که مطرح می‌شود، این است که حضور حکمتیاری در فضای سیاسی افغانستان، چه تبعات احتمالی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش، دو سطح تحلیل داخلی و خارجی را می‌توان مورد نظر داشت؛ زیرا ورود وی به عرصه سیاسی این کشور، هم بر نیروهای داخلی تأثیر خواهد گذارد و هم بر معادلات منطقه‌ای.

الف: پیامدهای داخلی صلح با حکمتیاری

ورود حکمتیاری به عرصه سیاست در افغانستان، شکاف بزرگی در جامعه افغانستان ایجاد کرده است؛ عده‌ای ناراضی و در عین حال نگران هستند؛ از جمله اقوام غیرپشتون و نهادهای حقوق بشری (که وی را به سبب اقدامات خشونت‌آمیزش در بمباران‌های کابل در دهه ۹۰ مجرم می‌دانند) و عده‌ای نیز راضی و خرسند هستند. همین امر، احتمال افزایش تنش میان احزاب و گروه‌های قومی مختلف در این کشور را افزایش داده است. این در حالی است که سیستم سیاسی افغانستان حتی تاکنون، هزینه‌های هنگفتی برای این بازگشت پرداخت کرده است؛ از جمله تلاش و

حکمتیار در عرصه سیاسی افغانستان؛ پیامدهای احتمالی ۲

۵. انتقاد شدید از حکومت وحدت ملی و نام‌گذاری آن به عنوان «حکومت سه‌گانه»
۶. خواهان استعفای یکی از سران حکومت شد.
۷. رد نظام پارلمانی و تأکید بر ایجاد یک دولت قوی و متمرکز (ریاستی).
۸. انتقاد به رسانه‌های آزاد و غیراسلامی خواندن آنها.
۹. تقسیم طالبان به دو گروه خوب و بد (دیدگاهی مشابه پاکستان).
۱۰. در بعد خارجی، توافقنامه همکاری استراتژیک با آمریکا را به رسمیت شناخت.
۱۱. اقدامات خشونت‌آمیز برخی برادران طالب را زمینه‌ساز حضور نیروهای خارجی در افغانستان دانست که این بهانه باید از آنها گرفته شود.
۱۲. انتقاد از کشورهای همسایه برای استفاده از خاک افغانستان به عنوان میدان رقابتی خود.
علاوه بر این، او به رسانه‌های آزاد به عنوان رکن چهارم دموکراسی که نقش مهمی بر مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه برجای می‌گذارند، تاخته است. لذا موضع‌گیری‌های وی، در مورد التزام او به قانون اساسی افغانستان؛ قانونی که مهمترین منبع مشروعیت‌بخش و شالوده ساختار حکومت در افغانستان را شکل می‌دهد، تردیدهای جدی‌ای ایجاد نموده است که مهمترین علت آن را می‌توان عدم مشارکت وی در تدوین پیش‌نویس قانون اساسی دانست.
ذکر این نکته ضروری است که رجعت حکمتیار، همزمان با افزایش اختلافات و تغییر موازنه سیاسی در صحنه سیاسی افغانستان صورت گرفته است؛ هر سه قوم بزرگ دیگر

رایزنی‌های گسترده‌ای که با گروه‌های داخلی و حتی کشورهای خارجی به عنوان مثال، مذاکره با روسیه به منظور اقلان‌سازی آن به موافقت با خروج نام حکمتیار از لیست تروریستی سازمان ملل صورت گرفته است که نهایتاً در (۱۶) بهمن سال گذشته، این امر تحقق یافت و همچنین آزادسازی تعدادی از اعضای این حزب که به عنوان تروریست در زندان به سر می‌بردند. باید به این نکته توجه داشت که پایه و اساس تفکر و اقدام حکمتیار، بر دو اصل: ۱- اسلام سیاسی (افراطی) و ۲- قوم‌گرایی پشتون یا ناسیونالیسم قومی قرار دارد که هر یک از این اصول، از پتانسیل افزایش اختلافات و درگیری‌ها در داخل افغانستان برخوردار هستند.

با دقت در محورهای سخنرانی‌های اخیر وی^۱، می‌توان نکات ذیل را برجسته کرد:

۱. خواهان فراموش کردن گذشته شد (اشاره به کشتار گسترده در پی بمباران کابل به دست نیروهایش).
۲. جنگ ۱۵ ساله گروه وی و طالبان علیه دولت افغانستان و نیروهای بین‌المللی را «نامعقول، بیهوده و نامقدس» معرفی کرد.
۳. حکمتیار خواهان تشکیل حکومتی صد در صد اسلامی شد.
۴. بی‌ارزش خواندن توافقنامه صلح میان سران حکومت وحدت ملی که بانی و معمار آن را وزیر امور خارجه سابق آمریکا می‌داند.

۱. حکمتیار، تاکنون سه سخنرانی رسمی در شهرهای لغمان (۹) اردیبهشت، یعنی ۱ روز پس از سالگرد پیروزی مجاهدین در افغانستان، شهر جلال‌آباد ننگرهار و نهایتاً در ۱۴ اردیبهشت در کابل داشته است.

داده، مانند اسلاف خود در سایر نقاط دنیا از جمله کره جنوبی و ژاپن، نیروهای نظامی خود در افغانستان را افزایش دهد. از سوی دیگر، روسیه نیز با تأثیرگذاری بر نیروهای مؤثر بر صحنه سیاسی افغانستان و به دست گرفتن ابتکار پروسه صلح با طالبان، کاهش نفوذ آمریکا در افغانستان و بالتبع آن، در منطقه حساس جنوب آسیا و اقیانوس هند را پیگیری می‌کند. این امر که روسیه چه موضعی نسبت به بازگشت حکمتیاری اتخاذ می‌کند و به طور کلی چه نقشه راهی برای نقش‌آفرینی در آینده این کشور طراحی کرده، نقش مهمی در سمت و سو دادن به روندهای سیاسی در افغانستان خواهد داشت.

علاوه بر این، رابطه میان پاکستان و افغانستان که به ویژه به سبب بمب‌گذاری‌هایی که در ایالت سند پاکستان رخ داده بود؛ تیره شده بود، با تحرکات گسترده‌ای از سوی پاکستان در جهت بهبود و گشایش مواجه شده است؛ از جمله سفر هیئت بلندپایه پارلمانی پاکستان به سرپرستی ایازصادق، رئیس مجلس و نیز سفر رئیس سازمان اطلاعات پاکستان (ISI) در ۱۲ اردیبهشت به کابل، می‌توان اشاره نمود. اینکه حکمتیاری تا چه میزان در موقعیت جدید خود با پاکستان هماهنگ گردد و پاکستان‌ها چه نقشی برای او تعریف کرده باشند، یکی دیگر از عوامل کلیدی در آینده سیاسی افغانستان محسوب می‌شود.

این در حالی است که حکمتیاری که داشتن رابطه جدی با آی‌اس‌آی پاکستان و نیز دریافت کمک‌های مالی از عربستان شهره است، در سخنرانی خود در کابل، نسبت به استفاده از افغانستان به عنوان میدانی برای رقابت‌های سیاسی و نظامی به همسایگان این

افغانستان به جز پشتون که حکمتیاری متعلق به آن قومیت است، یعنی هزاره^۲، تاجیک و ازبک، متحمل ضربات سیاسی شده‌اند؛ هر چند که تلاش در جهت این تغییر توازن، از مدتها پیش، با برکناری احمدضیامسعود و ایجاد افتراق میان عطامحمد نور از عبدالله عبدالله و به انزوا کشاندن عبدالرشید دوستم ازبک آغاز شده بود.

همین مسأله، گمانه‌زنی‌ها در مورد افزایش اختلافات و تنش میان احزاب مختلف در افغانستان را پررنگ ساخته است. چه اینکه احزاب، نیم‌نگاهی نیز به انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۹ در این کشور نیز دارند. زیرا حزب اسلامی احیا شده حکمتیاری، می‌تواند به عنوان یک بازیگر قوی در انتخابات نقش ایفا نماید.

پیامدهای خارجی

ورود حکمتیاری به فضای سیاسی افغانستان، در شرایطی صورت گرفته که همزمان با اوج‌گیری رقابت‌های داخلی در عرصه سیاسی این کشور، به منظور کسب قدرت بیشتر و به حاشیه راندن رقبا، رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز در این کشور افزایش یافته است؛ به نحوی که طی چند روز آینده، قرار است که پنتاگون، رسماً پیشنهاد افزایش ۳ تا ۵ هزار نفری نیروهای نظامی در افغانستان را مطرح کند. این پیش‌بینی مطرح شده که ترامپ جمهوری خواه که هزینه‌های نظامی آمریکا را افزایش

۲. حکمتیاری در شهریور سال ۲۰۱۳، در بیانیه تبریک عید فطر خود، اظهارات خصمانه‌ای بر علیه هزاره‌ها مطرح کرده بود: "هزاره‌ها دیگر هیچ پناهمگاهی در هیچ نقطه‌ای از کشور نخواهند داشت".

حکمتیاری در عرصه سیاسی افغانستان؛ پیامدهای احتمالی ۴

از سوی دیگر، مسلماً حضور حکمتیاری در افغانستان، بر معادله نقش آفرینی قدرت‌های خارجی در عرصه سیاسی تأثیر چشمگیری برجای می‌گذارد. از آن جمله، پیرنگ‌تر شدن نقش و نفوذ عربستان و پاکستان در تحولات افغانستان می‌باشد؛ امری که می‌تواند امنیت مرزهای شرقی ایران را به خطر بیندازد.

کشور، هشدار داد؛ هشدار می‌باشد که بیشتر معطوف به ایران می‌باشد.

بر اساس مطالعات مراکز پژوهشی، خطر احتمال فروپاشی دولت افغانستان، مسأله‌ای جدی است؛ بر همین اساس، اینگونه به نظر می‌رسد که این نگرانی، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آشتی مجدد آمریکا با حکمتیاری (در دهه ۸۰، آمریکا کمک‌های مالی و نظامی فراوانی را از طریق پاکستان به حکمتیاری ارائه کرده بود)، می‌باشد. علاوه بر این، بسیاری از کارشناسان آمریکایی، خواهان به پایان رساندن جنگ در افغانستان با هر شیوه‌ای هستند.

پایداری رویکرد جدید آمریکا به حکمتیاری، می‌تواند نقش او را در صحنه سیاسی افغانستان از میزانی از مشروعیت و مقبولیت برخوردار سازد.

جمع‌بندی

رجعت حکمتیاری در عرصه سیاسی افغانستان، مسأله بسیار حائز اهمیتی است و می‌تواند بر معادلات قدرت در این کشور تأثیرات بسزایی برجای بگذارد. یکی از این تأثیرات، تضعیف احتمالی احزاب اپوزیسیون مانند "حزب جمعیت اسلامی" و نیز حزب "شورای حراست و ثبات افغانستان" که عمده‌تأ از احزاب و گروه‌های جهادی تشکیل شده است، می‌باشد. مسأله بعدی، افزایش رقابت‌های سیاسی و اجتماعی و حتی فرهنگی و احتمالاً افزایش شکاف‌های قومی و مذهبی است. چه اینکه تأکید و اصرار حکمتیاری بر زبان و فرهنگ پشتو و تسلط آن بر تعاملات حکومتی و رسمی کشور، شکاف‌های هویتی را تشدید خواهد کرد؛ امری که حتی انسجام و تمامیت سرزمینی این کشور را تهدید می‌کند.

